

سلسله درس های محدودیت

حلقه چهارم

لوازم معرفت

دکتر سید محمد کدبنی هاشمی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه: بنی هاشمی، سید محمد، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور: لوازم معرفت؛ سلسله درس های مهدویت، حلقه چهارم
سید محمد بنی هاشمی.
مشخصات نشر: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ ص.
شابک جلد چهارم: ۳- ۱۵۱- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸
شابک دوره: ۲- ۱۵۸- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: کتابنامه: همچنین به صورت زیر نویس.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. مهدویت.
موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. احادیث.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ س ۸ / ب ۸۳ / ۲۳۴ BP
رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۷۲۹۴۱۵

منیر

شابک ۳- ۱۵۱- ۵۳۹- ۹۶۴- ۹۷۸ - 978-964-539-151-3 ISBN

لوازم معرفت

سلسله درس های مهدویت (۴)

سید محمد بنی هاشمی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: سوم / ۱۴۰۰

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی: شبیر / ۷۷۵۲۱۸۳۶

چاپ: صبا

کلیه حقوق اعم از تکثیر، انتشار و بازنویسی (چاپی، صوتی، تصویری،

الکترونیکی و pdf) برای ناشر محفوظ است.

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آیسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹
تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (۶ خط)
کانال تلگرام: telegram.me/monirpub
پست الکترونیک: info@monir.com
اینستاگرام: monir_publisher



این حلقه به نیابت از:

چهارمین سفیر و نایب خاصّ خاتم الاوصیاء علیه السلام

جناب علی بن محمّد سیمری رحمته الله

به پیشگاه؛

عموی بزرگوار خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت حمزه بن عبدالمطلب رضی الله عنه

تقدیم می‌گردد.



فهرست مطالب

۱۵	فصل اول: صحّت معرفت
۱۵	درس اول: صحّت معرفت
۱۶	ملاک صحّت معرفت
۱۸	علم صحیح فقط نزد اهل بیت <small>علیهم السلام</small> است
۲۰	استقامت در پرتو علم صحیح
۲۲	بشارت خداوند به خردمندان
۲۷	فصل دوم: تسلیم به امر الهی در مورد امام <small>علیه السلام</small>
۲۷	درس دوم: تسلیم در برابر امام <small>علیه السلام</small> ، لازمه ایمان
۲۷	شرط تسلیم در معرفت
۲۹	شرک و کفر، نتیجه عدم تسلیم
۳۱	ناسازگاری استعجال با تسلیم
۳۶	درس سوم: راه تحقق تسلیم نسبت به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۳۶	مقدم کردن خواست ائمه <small>علیهم السلام</small> بر خواست خود
۳۹	تسلیم نسبت به احادیث در زمان غیبت
۴۱	صعوبت تحمّل احادیث ائمه <small>علیهم السلام</small>



۹۱	فصل پنجم: یاد گرفتن و یاد دادن علوم ائمه <small>علیهم السلام</small>
۹۱	درس هفتم: یاد گرفتن و یاد دادن علوم ائمه <small>علیهم السلام</small>
۹۱	راه احیای امر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۹۳	وظیفه عالمان در زمان غیبت
۹۵	پرسش های مفهومی از درس های ۵ تا ۷
۹۷	فصل ششم: انتظار و دعا
۹۷	درس هشتم: انتظار و دعا
۹۷	انتظار فرج امام عصر <small>علیه السلام</small> فرجه
۱۰۰	نیّت منتظر بر یاری کردن امام <small>علیه السلام</small>
۱۰۳	عاقبت یک عمر انتظار
۱۰۹	دعا برای تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۰۹	دعای ائمه <small>علیهم السلام</small> بر تعجیل فرج امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	فصل هفتم: احساس حضور امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	درس نهم: احساس حضور امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	توجه امام عصر <small>علیه السلام</small> به مؤمنان
۱۱۶	احساس حضور امام <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۱۲۱	فصل هشتم: ورع دوستان امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	درس دهم: ورع دوستان امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۲۱	رعایت سنن ائمه <small>علیهم السلام</small> در زمان غیبت
۱۲۵	نقش ورع در دینداری
۱۲۷	کمک به اهل بیت <small>علیهم السلام</small> از طریق ورع

۴۳	انکار حدیث به سبب عدم تحمّل آن
۴۶	درس چهارم: مواجهه صحیح با احادیث ائمه <small>علیهم السلام</small>
۴۶	فرض تعارض مدلول حدیث با حکم عقل
۴۸	اقسام تعارض عقل و نقل
۵۰	وظیفه انسان نسبت به آیات و احادیث متشابه
۵۲	هفتاد معنا برای احادیث اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۵۴	روش فقیهانه در استفاده از احادیث
۵۷	لزوم عنایت ائمه <small>علیهم السلام</small> برای تحمّل احادیث
۶۰	پرسش های مفهومی از درس های ۱ تا ۴
۶۳	فصل سوم: محبت نسبت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۳	درس پنجم: محبت نسبت به اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۶۳	محبت، نشانه ایمان کامل
۶۵	جلب محبت از طریق تسلیم
۶۶	گریه برای امام <small>علیه السلام</small> بر اثر شدت محبت
۷۰	دوستی با دوستان امام <small>علیه السلام</small> و دشمنی با دشمنان ایشان
۷۳	اهمیت ادای حقوق برادران ایمانی
۷۵	رفع گرفتاری از دوستان امام <small>علیه السلام</small>
۸۱	فصل چهارم: یاد کردن پیوسته از امام <small>علیه السلام</small>
۸۱	درس ششم: یاد کردن پیوسته از امام <small>علیه السلام</small>
۸۱	فراموش نکردن امام غایب
۸۲	مراتب ذکر امام <small>علیه السلام</small>
۸۵	شرکت در مجالس ذکر اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۸۸	ذکر مصائب اهل بیت <small>علیهم السلام</small>

۱۶۷	آقای مولا در حق بنده خود
۱۶۹	اظهار بندگی نسبت به امام عصر <small>علیه السلام</small> در کلام صدرا لاسلام همدانی
۱۷۱	ضرورت معاهده بنده با مولای غایب خود
۱۷۳	درس پانزدهم: نقض پیمان و راه جبران آن
۱۷۳	نقض پیمان بندگی با ارتکاب گناه
۱۷۵	چگونگی محاسبه و تطهیر نفس از گناهان
۱۷۷	مناقشه خداوند نسبت به گناهان
۱۷۹	عدم مناقشه در مورد گناهان به سبب تجدید عهد با ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۸۱	طلب مغفرت از مولا برای پاکی از گناهان
۱۸۳	توبه از گناه در هنگام عرض اعمال
۱۸۷	درس شانزدهم: وظیفه بندگی
۱۸۷	خشوع بنده در برابر مولا
۱۹۱	اولویت مولا نسبت به بنده در همه امور
۱۹۶	پرسش های مفهومی از درس های ۱۴ تا ۱۶
۱۹۷	فصل یازدهم: خدمتگزاری به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۹۷	درس هفدهم: وظیفه خدمتگزاری
۱۹۷	آرزوی خدمت به حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small> از زبان امام صادق <small>علیه السلام</small>
۱۹۸	سبب لزوم خدمت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۹۹	تفاوت بین نصرت و خدمت
۲۰۰	مباشرت در خدمت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۰۱	اظهار فروتنی در خدمت به حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۲۰۳	مراتب خدمتگزاری به مولا
۲۰۷	درس هجدهم: چگونگی خدمت مقبول به مولا
۲۰۷	مصادیق خدمتگزاری به امام غایب <small>علیه السلام</small>
۲۱۰	گستره خدمت به حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>

۱۳۱	فصل نهم: نصرت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	درس یازدهم: نصرت امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۳۱	یاری کردن خداوند
۱۳۳	یاری کردن امام غایب
۱۳۴	یاری کردن امام <small>علیه السلام</small> با زبان
۱۳۸	پرسش های مفهومی از درس ۸ تا ۱۱
۱۳۹	فصل دهم: وفای به عهد الهی
۱۳۹	درس دوازدهم: عهد بستن با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۳۹	عهد الهی در قرآن
۱۴۱	سابقه عدم وفا به عهد خداوند
۱۴۲	جزئیات عهد الهی در مورد امامت
۱۴۳	ضرورت وفا به عهد امامت در همه زمانها
۱۴۴	آخرین و مهمترین اعلان عهد امامت
۱۴۵	چگونگی عهد بستن با پیامبر <small>صلی الله علیه و آله و سلم</small> و ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۴۷	تجدید بیعت
۱۴۹	درس سیزدهم: پیمان بندگی (۱)
۱۵۰	معانی مولی و عبد
۱۵۲	شوون مولی و عبد
۱۵۴	تفاوت عبودیت در برابر خدا و در برابر ائمه <small>علیهم السلام</small>
۱۵۷	عبودیت و سروری
۱۶۲	پرسش های مفهومی از درس های ۱۲ و ۱۳
۱۶۳	درس چهاردهم: پیمان بندگی (۲)
۱۶۳	مراتب عبودیت در برابر مولی
۱۶۴	اظهار عبودیت سید بن طاووس در پیشگاه امام عصر <small>علیه السلام</small>
۱۶۶	عبدالمهدی <small>علیه السلام</small> شدن فرزند سید بن طاووس



۲۱۲	اهمیت صداقت و ادای امانت در خدمت به امام عصر <small>علیه السلام</small>
۲۱۶	تعهدآور بودن انتساب به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۱۷	شکر نعمت انتساب به ائمه <small>علیهم السلام</small>
۲۱۹	درس نوزدهم: دعوت مردم به سوی امام <small>علیه السلام</small>
۲۱۹	راه‌های مختلف دعوت به امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۲۹	فضیلت رسیدگی علمی به ایتم آل محمد <small>علیهم السلام</small>
۲۲۳	ارزش دستگیری علمی از ایتم امام عصر <small>علیه السلام</small> در زمان غیبت
۲۲۴	همدل شدن شیعیان بر وفای به عهد امامت
۲۲۶	محفوظ ماندن خدمت خالصانه و صحیح
۲۲۸	تلاش برای تداوم توفیق در خدمتگزاری
۲۳۱	درس بیستم: خدمت خالصانه
۲۳۱	جدیت و اخلاص: دو عامل اساسی برای تداوم خدمتگزاری
۲۳۴	تعریف اخلاص و اهمیت آن
۲۵۴	ضرورت حسن فعلی و فاعلی برای اصابت عمل
۲۳۷	شرط سوم اصابت عمل: خشیت از خداوند
۲۳۹	مراقبت از عمل تا هنگام مرگ
۲۴۱	سه شرط لازم برای خدمتگزاری صحیح
۲۴۵	یادی از شب عاشورای امام حسین <small>علیه السلام</small>
۲۴۹	ذکری از مصائب کودک شیرخوار ابا عبدالله <small>علیه السلام</small>
۲۵۰	زیارت عبدالله بن الحسین <small>علیه السلام</small>
۲۵۲	پرسش‌های مفهومی از درس‌های ۱۷ تا ۲۰
۲۵۳	فهرست منابع

در بخش دوم از حلقه سوم مباحثی در زمینه فضیلت و اهمیت معرفت امام عصر علیه السلام در زمان غیبت ایشان مطرح گردید. اکنون لازم است ویژگی‌های این معرفت تا اندازه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا معلوم شود چه معرفتی دارای آن آثاری است که در احادیث، ذکر شده و لوازم و نشانه‌های آن چیست.

اصل معرفت، یک امر قلبی است، اما آثار و لوازم آن هم می‌تواند امور قلبی باشد و هم امور خارجی. در این حلقه برای تکمیل مباحث گذشته به اهم این موارد اشاره می‌شود تا نتیجه عملی آن مباحث، روشن گردد.

فصل ۱

صحت معرفت

درس اول: صحت معرفت

اولین ویژگی معرفتی که می‌تواند انسان را در زمان غیبت امام علیه السلام از انحراف و بی‌دینی نجات بخشد، صحت و درستی آن است. اگر چنین نباشد، امیدی به اینکه دارنده آن در ولایت و امامت ائمه علیهم السلام ثابت قدم بماند، وجود ندارد.

امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند:

إِنَّ لِلْقَائِمِ مَنَا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْآخِرَى... وَ أَمَّا
الْآخِرَى فَيَطْوُلُ أَمْدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنِ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرَ مَنْ
يَقُولُ بِهِ. فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ
لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۱

۱ - کمال‌الذین، باب ۳۱، ح ۸.

ای پسر، درجات و مراتب شیعیان را از اندازه روایت و میزان معرفت آنها بشناس. چرا که معرفت، همان فهم و شناخت روایات است. و از طریق همین فهم‌ها نسبت به روایات است که مؤمن تا بالاترین درجات ایمان بالا می‌رود. من در نوشته‌ای از علی‌علیه السلام نظر کردم و در آن چنین دیدم که ارزش و منزلت هر کس (به اندازه) معرفت اوست.

همه‌ی مطلب در این عبارات بیان شده است. معرفت از نظر پیشوایان ما چیزی جز فهم احادیث نیست. این خود میزانی است برای تشخیص معرفت صحیح؛ به طوری که در هر بابی، احادیث مربوط به آن، معیار صحّت معرفت در آن باب می‌باشد. مثلاً در خدانشناسی، میزان صحّت یا عدم صحّت معرفت خدا، روایاتی است که در این خصوص وارد شده است.

این امر، اهمّیت رجوع به احادیث اهل بیت علیهم السلام را در همه‌ی ابواب معارف روشن می‌کند و همین، معیار درجه‌ی ایمان شخص می‌باشد. هر کس به اندازه فهم عمیق خود در احادیث ائمه علیهم السلام از کمال ایمان بهره‌مند می‌شود.

پس اگر کسی در معارف دینی، کاری به روایات نداشته باشد و معرفت خود را از منابع غیر حدیثی اخذ کند، نباید انتظار صحّت معرفت خود را داشته باشد. ارزشی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام برای هر انسانی قائل هستند، به میزان معرفت او برمی‌گردد و درستی معرفت هم معیارش رجوع به احادیث و فهم عمیق نسبت به آنهاست.

همانا قیام‌کننده از ما (اهل بیت) دو غیبت دارد که یکی از آنها طولانی‌تر از دیگری است... و اما غیبت دیگر، پس مدّت آن به درازا می‌کشد تا آن حد که بیشتر کسانی که اعتقاد به امامت او (حضرت مهدی علیه السلام) دارند، از این اعتقاد بر می‌گردند. پس ثابت قدم نمی‌ماند مگر کسی که یقینش محکم و معرفتش صحیح باشد و قلباً پذیرفتن احکام ما برایش سخت نباشد (ظرفیت پذیرش آنچه را ما حکم می‌کنیم، داشته باشد) و تسلیم ما اهل بیت باشد. این شرط برای هر معرفتی لازم است؛ چه معرفت خدا، چه معرفت رسول ﷺ و چه معرفت امام علی علیه السلام. به طور کلی همه‌ی معرفت‌های دینی باید صحیح و مطابق آنچه خداوند خواسته است، باشد. اینک باید دید چه معیاری برای صحّت معرفت وجود دارد؟ از کجا می‌توان مطمئن به درستی یک معرفت شد؟

ملاک صحّت معرفت

پاسخ این سؤال با توجه به تعریفی که اهل بیت علیهم السلام از «معرفت» ارائه داده‌اند، معلوم می‌شود. امام باقر علیه السلام خطاب به فرزندش امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

يَا بُنَيَّ، اعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ. فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدِّرَايَةُ لِلرِّوَايَةِ. وَ بِالذَّرَايَاتِ لِلرِّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ. إِنِّي نَظَرْتُ فِي كِتَابِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَجَدْتُ فِي الْكِتَابِ أَنَّ قِيمَةَ كُلِّ امْرِئٍ وَ قَدْرَهُ مَعْرِفَتُهُ.^۱

۱ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۴، از معانی الاخبار.

علم صحیح فقط نزد اهل بیت علیهم السلام است

سرّ مطلب و اینکه چرا معیار صحّت معرفت، منطبق بودن آن با احادیث می باشد، در این حقیقت نهفته است که اصولاً هیچ علمی جز از ناحیه اهل بیت علیهم السلام به دست نمی آید. منظور از علم، آن حقیقت نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد، قرار می دهد و او را هدایت می نماید. امام صادق علیه السلام می فرماید:

لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ. إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ.^۱

علم به درس خواندن حاصل نمی شود. علم چیزی نیست مگر نوری که در قلب آن که خدای تبارک و تعالی هدایتش را بخواهد، پدید می آید.

در این علم، خطا و اشتباه راه ندارد. کسی را که خداوند بخواهد هدایت کند، از طریق نور علم به راه صحیح می آورد. بنابراین علم واقعی همیشه صحیح و مطابق با واقع است. آن علوم بشری است که خطا در آن راه پیدا می کند، ولی علوم و معارف الهیه همیشه واقعی و صحیح هستند. خدا منبع و مرکز این نور را قلوب مقدّس چهارده معصوم علیهم السلام قرار داده و به دیگران هم که طالب علم هستند، سفارش کرده تا فقط به آنها رجوع نمایند. امام صادق علیه السلام به یونس بن ظبّیان می فرماید:

إِنْ أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ، فَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ. فَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ».^۲

اگر علم صحیح می خواهی، پس نزد ما اهل بیت است. زیرا ما آن اهل ذکر هستیم که خداوند فرموده است: «اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.»^۱

این راه تنها راهی است که می توان علم را از طریق آن طلب کرد. از غیر این طریق، علمی به دست نمی آید. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وَاللَّهِ لَا يُوجِدُ الْعِلْمَ إِلَّا مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَزَلَ عَلَيْهِمْ جَبْرَائِيلُ.^۲

قسم به خدا، علم یافت نمی شود مگر از ناحیه اهل خانه ای که جبرئیل بر آنها نازل شده است.

بنابراین اگر حقیقتی برای انسان کشف شود، مسلماً ریشه آن به اهل بیت علیهم السلام بر می گردد؛ هر چند که خود شخص به این مطلب توجه نداشته باشد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ عِنْدَ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ حَقٌّ وَلا صَوَابٌ إِلَّا شَيْءٌ أَخَذُوهُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ.^۳

توجه داشته باشید! هیچ حقیقت و سخن صحیحی نزد مردم نیست مگر آنکه آن را (بالأخره) از ما اهل بیت گرفته اند.

ریشه سخنان صحیح و معارف حقّه، فقط و فقط فرمایشهای اهل بیت علیهم السلام است. اگر این سخنان نبود، هیچ کس از معرفت صحیح برخوردار نمی شد. همین خارج شدن از ناحیه اهل بیت علیهم السلام معیار صحّت یک عقیده می باشد؛ به طوری که اگر عقیده ای با آنچه ایشان

۱ - نحل / ۴۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۱، ح ۱۹، از بصائر الدرجات.

۳ - بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۴، ح ۳۱، از محاسن برفی.

۱ - بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۱۷.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۴۹، ح ۳۰، از کفایة الاثر.



فرموده‌اند، تطبیق نکند و به نحوی از ایشان سرچشمه نگیرد، قطعاً سخن بیهوده و باطلی است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

كُلُّ مَا لَمْ يُخْرَجْ مِنْ هَذَا الْبَيْتِ، فَهُوَ بَاطِلٌ.^۱

هر آنچه از این خانه (بیت وحی) بیرون نیامده باشد، باطل و ناصواب است.

بنابراین بالاترین درجهٔ ایمان این است که انسان خود را ملزم نماید که هیچ سخن و عقیده‌ای را از کسی جز اهل بیت علیهم السلام نگیرد و فقط تسلیم در خانه ایشان باشد. اگر چنین کند، مفتخر به رتبهٔ «مِنَّا اهل البیت» می‌گردد. امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به کمیل بن زیاد نخعی فرمودند:

يَا كَمِيلُ، لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا، تَكُنْ مِنَّا.^۲

ای کمیل، جز از ما (اهل بیت) کسب (علم) نکن تا از ما باشی. این بزرگترین افتخار برای دوستدار اهل بیت علیهم السلام می‌باشد که هر چند از نعمت درک حضور امام زمانش محروم است، ولی با تقید به احادیث ائمه علیهم السلام در همین زمان غیبت می‌تواند به چنان مقامی نایل شود.

استقامت در پرتو علم صحیح

بنابراین اگر انسان بخواهد معارف صحیحی در دین داشته باشد، باید برای کسب علم جز به اهل بیت علیهم السلام رجوع نکند و محصول

۱ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۵۰، ح ۳۴، از بصائر الدرجات.

۲ - وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۷، ح ۳۴، از تحف العقول.

تفکرات بشری را بر تعالیم اهل بیت علیهم السلام ترجیح ندهد و از التقاط و مخلوط کردن اینها بایکدیگر پرهیز نماید. در این صورت، از قوّت یقینی در معرفت خود برخوردار می‌شود که هیچ شبهه و اشکالی او را نسبت به عقایدش سست نمی‌سازد؛ به طوری که اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی‌کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ جمل خطاب به محمد بن حنفیه می‌فرماید:

تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُولُ.^۱

کوهها تغییر می‌کنند ولی تو تغییر نکن (استوار باش).

این فرمان امیرالمؤمنین علیه السلام باید در زمینهٔ ایمان و عقیده نیز مورد توجه واقع شود. راه عملی شدن آن این است که انسان عقاید خود را از طریق صحیح آن کسب کند و به غیر آنچه از این راه به دست می‌آید، اعتماد نورد. تغییر کوهها غیر علنی و نامحسوس است. مؤمن باید در معرفت خویش به حدّی از یقین برسد که تغییرات نامحسوس هم نداشته باشد. تنها در این صورت است که می‌تواند مطمئن باشد که هیچ مطلبی او را متزلزل نمی‌کند و به هیچ وجه نسبت به عقاید صحیح خود به شک و تردید نمی‌افتد.

«شک» از بدترین آفاتی است که ایمان و یقین انسان را تهدید می‌کند. در زمان غیبت امام علیه السلام با انواع و اقسام افکار و عقیده‌هایی مواجه هستیم که هر یک به شکلی معرفت‌های انسان را در معرض شک و تردید قرار می‌دهند. انسان هر اندازه هم که باسواد باشد و با سخنان

۱ - نهج البلاغه (فیض الاسلام)، خطبهٔ ۱۱.



این و آن آشنا باشد، تا از منبع اصلی معرفت، عقاید خود را کسب نکرده باشد، از خطر شک در آنها مصون نخواهد بود. یکی از مهمترین عوامل حفظ اعتقاد آدمی در مقابل شک و وسوسه همین امر است. بنابراین اگر نگران حفظ دین خود در زمان غیبت هستیم، باید نسبت به مجرای به دست آوردن آن، دقت کافی را انجام دهیم و جز به آنچه از ناحیه اهل بیت علیهم السلام رسیده، اعتماد نورزیم. امام علیه السلام می فرمایند:

مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ،
زَالَتْ الْجِبَالُ قَبْلَ أَنْ يَزُولَ. وَ مَنْ أَخَذَ دِينَهُ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ،
رَدَّتْهُ الرِّجَالُ.^۱

هر کس دین خود را از کتاب خدا و سنت پیامبرش بگیرد، اگر کوهها تغییر کنند، او تغییر نمی کند. و کسی که دین خود را از دهان این و آن (غیر معصوم) بگیرد، همان گونه افراد او را از دین برمی گردانند.

بشارت خداوند به خردمندان

گاهی تحت این عنوان که انسان باید همه سخنان را بشنود و آنگاه از میان آنها بهترین را برگزیند، همه افکار و اندیشه ها در کنار هم گذاشته می شوند و همگی به یک چشم نگریسته می شوند. مکرر مشاهده می شود که بسیاری می خواهند از این طریق و با فهم و تشخیص خود، تکلیف احادیث معصومین علیهم السلام را هم معلوم کنند و هیچ فرقی بین افکار بشری و الهی در اصل نگرش خود قائل نمی شوند. آنگاه سخن خود

۱ - مقدمه کتاب شریف کافی.

را به آیه قرآن هم مستند می کنند که می فرماید:

«فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَبَابِ»^۱.

پس بشارت ده بندگان مرا که سخن (حق) را می شنوند، سپس به بهترین صورتش از آن پیروی می کنند. آنها کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرده و آنها همان صاحبان عقل سلیم هستند.

اینها آیه را چنین معنا می کنند که باید هر سخنی را شنید - الف و لام را در «القول» الف و لام استغراق می گیرند - و آنگاه از میان آنها بهترینش را برگزید. بعد هم اضافه می کنند که خدا به کسانی که چنین روشی دارند، وعده هدایت داده و آنها را صاحبان عقل خوانده است.

اینها چون به اهل بیت علیهم السلام مراجعه نکرده اند، در فهم معنای صحیح همین آیه هم به خطا رفته و تفسیر به رأی نموده اند. وقتی ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام درباره این آیه پرسید، حضرت چنین پاسخ دادند:

هُمْ الْمُسْلِمُونَ لِأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آَلِهِ وَ سَلَّمَ الَّذِينَ إِذَا سَمِعُوا الْحَدِيثَ
لَمْ يَزِيدُوا فِيهِ وَ لَمْ يَنْقُصُوا مِنْهُ؛ جَاؤُوا بِهِ كَمَا سَمِعُوهُ.^۲

اینها کسانی هستند که تسلیم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند که وقتی حدیث را می شنوند، در آن (تغییر نمی دهند و) اضافه و کم نمی کنند و همان گونه که شنیده اند، آن را می آورند (نقل می کنند) یا به آن عمل می نمایند.

پس «القول» در آیه شریفه، قول خاصی است که همان قول حق و

۱ - زمر / ۱۸.

۲ - تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۴۸۲ ح ۳۵.



سخن صحیح می‌باشد و الف و لام آن الف و لام عهد است. آیه در مورد کسانی است که وقتی احادیث اهل بیت علیهم‌السلام را می‌شنوند، تسلیم آن می‌گردند و بدون دخل و تصرف در آن و به همان شکلی که شنیده‌اند، به آن ملتزم می‌شوند. پس «یَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» معنایش این نیست که از میان اقوال مختلف بهترین آن را انتخاب می‌کنند، بلکه منظور پیروی از حدیث به بهترین شکل آن یا بهترین شکل پیروی از آن است. بهترین شکل حدیث یا پیروی از آن، نقل و عمل به حدیث به صورت دست نخورده و تغییر نیافته آن می‌باشد. کسانی را که چنین عمل می‌کنند، خداوند هدایت کرده است.^۱

در آیه شریفه صحبت از وعده هدایت در آینده نیست، بلکه اینها «هدایت شده» هستند که چنین عمل می‌کنند و می‌دانند که باید نسبت به حدیث آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چه برخوردی داشته باشند. اینها همان «اولوالالباب» هستند که به ضعف علمی و عقلی خود پی برده‌اند و به همین دلیل می‌دانند که باید کاستی‌های خود را با رجوع به اهل بیت علیهم‌السلام جبران کنند. بنابراین در تسلیم نسبت به ایشان، تأمل و تردیدی به خود راه نمی‌دهند و در لفظ یا معنای احادیث دخل و تصرفی را از ناحیه خود مجاز نمی‌شمارند. اینجاست که روشن می‌شود معرفت صحیح جز با تسلیم به اهل بیت علیهم‌السلام برای انسان حاصل نمی‌گردد.

نتیجه اینکه هر سخنی را نباید شنید و هر فکری را نباید دنبال کرد و به هر مکتبی نباید روی خوش نشان داد. افکار و اندیشه‌های مختلف، سلامت روح و قلب انسان را به خطر می‌اندازد. انسان نباید به نام تحقیق، خود را آلوده به هر گرایشی بکند و در معرض انواع و اقسام انحرافات قرار بدهد؛ زیرا معلوم نیست که بتواند از منجلا بآراء و افکار منحرف، سالم بیرون بیاید.

لازمه وجود عقل و درایت، احتیاط و اجتناب از آینه‌های ساختگی و مکاتبی است که انتساب آنها به منبع وحی مورد اعتماد نیست. تا انسان مطمئن نشده که یک مکتب فکری از منبع الهی تغذیه می‌کند، نباید بادیده خوش بینانه به آن بنگرد؛ و اگر خودش صاحب نظر نیست، باید به افراد با صلاحیت در این زمینه مراجعه نماید؛ همچنانکه در مورد جسم و بدن خود، نیز به هر کسی رجوع نمی‌کند و تا مطمئن نشود که با پزشک متخصص مواجه است، به سخنانش اعتماد نمی‌کند.

سلامت روح و قلب انسان به مراتب بیش از سلامت جسمش ارزش دارد و هر قدر نسبت به حفظ سلامت بدنش حساسیت دارد، باید بیش از آن را در مورد روحش داشته باشد. طبیبان روح و فکر آدمی، ائمه علیهم‌السلام هستند و کسانی که همه اعتقادات خود را از آنها کسب کرده‌اند، صلاحیت دارند که انسان به ایشان رجوع کند و از آنها راهنمایی بخواهد.

۱ - البته ضرورت تأویل معنای ظاهر حدیث یا جواز آن در موارد لازم، خدشه‌ای به این بحث وارد نمی‌سازد. زیرا تأویل صحیح ضوابط و معیارهایی دارد که رعایت آنها از مصادیق «اتباع احسن» نسبت به حدیث است.

